

## در گرامی‌داشت شانزدهم آذر

دانشجویان، آینده‌سازان میهن،

امسال، شانزدهم آذرماه، روز دانشجو، در شرایطی فرامی‌رسد که هنوز امید به احترام نسبت به آزادی‌های فردی و اجتماعی و دستیابی به حکومت قانون، حتی به‌رغم بالا گرفتن دوباره‌ی موج سرکوب، به‌ویژه در میان جوانان و دانشجویان، چندان فروکش نکرده و انتظار جامه‌ی عمل پوشیدن خواست‌های انسانی با ارائه‌ی شاخصه‌های قوی غرور ملی همچنان در ایران پابرجاست.

اعتراف به نقض بسیاری از آرمان‌های انقلاب و نابسامانی‌های وضع زندگی همگانی، فقر، تبعیض، و بی‌عدالتی به گونه‌ی مورد‌های آشکار عدم‌کارایی نظام سیاسی کشور از جمله پیام‌هایی بود که یک باره مردم خشمگین، بی‌تفاوت، و پشت‌به‌زمامداران کرده را به کاربرد شیوه‌ی کشانید که نتیجه‌ی گرایش پیشینه‌دار آسان‌طلبی و بهره‌گیری از رهیافت‌های کم‌خطر بود. در این راستا، انگیزه‌ی ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی و نیز نگرانی از آینده‌ی پرابهام زندگی ملی به‌ویژه بخش‌های آسیب‌پذیرتر جامعه را به یکدیگر نزدیک کرد و گذار از بحران را به گونه‌ی پشتیبانی از طیفی که از پاکیزگی نسبی برخوردار بود رقم زد.

گرچه هیجان پدیدآمده از امکان سنجش‌های خردگرایانه کاست و امید به به‌گرد واقعیت‌های زیرمجموعه‌ی موجود را کم‌رنگ نمود؛ ولی آرمان‌های انسانی نردبان کمال است و آزمون‌ها هر قدر دیرودور سرانجام سره از ناسره بازمی‌شناساند و اثر دل‌نشین‌ترین شعارها بدون پشتوانه‌ی راهکارهای درست و کوتاه‌مدت از بین می‌رود و چه‌بسا تلخ‌کامی ناشی از دل به سراب بستن انسان‌ها را به واکنش‌های شگرف وامی‌دارد.

این بار نیز، نهادهای دانشجویی پژواک خاموش توطئه‌ها را حس کردند و نفیر شوم تبر نادانی و خودپسندی را، که بن و شاخه‌های ایمنی اجتماعی را هدف قرار داده، شنیدند و آشکارا نشان دادند خاموشی‌ای که سردمداران جمهوری اسلامی در پناه وحشت از سلاح‌های مرگ‌آفرین و زندان و شکنجه پدید آورده‌اند و بدان «امنیت بی‌مانند» نام نهاده‌اند ماندنی و پایدار نیست و با یک جهش برق غیرت از هم فرومی‌پاشد.

گرچه، به دلیل سال‌ها سلطه‌ی یکه‌تازی و خشونت و تفرقه‌افکنی‌های پرترفند انحصارگران واپس‌گرا، دانشجویان از همبستگی لازم برخوردار نبودند؛ ولی به حکم شورمندی و شعور زنگ خطر را شنیدند و برای رودرویی با موج تازه‌ی سرکوب سینه سپر کردند.

بدین سان، دانشگاه، این سنگر آگاهی، یک بار دیگر قد برافراشته و، در برابر تهدید، دژخویی و ویرانگری و سرکوب، صلابت آزادی سر داده است و، با ایستادگی در برابر اوباش برخوردار از پشتیبانی واپس‌گراترین و فاسدترین طیف حاکمیت، خاطره‌ی شانزدهم آذر سال یک‌هزار و سیصد و سی و دو و یورش کودتاچیان و شهادت مصطفی بزرگ‌نیا، مهدی شریعت رضوی، و احمدقدچی را زنده کرد و به بهترین شیوه نام آن دلاوران به‌خون‌خفته را ارج نهاد.

بی‌تردید، توانایی در نشان دادن حقیقت و عمل کردن در بستر آن انتظاری است بجا که مردم از نسل جوان خود دارند. زندگی برای استمرار، که یک ضرورت آرمانی است، جز تسلیم در برابر واقعیت، راهی پیش رو ندارد و آنچه امروز در برابر ما رخ نمود و به گونه‌ی پرقدرت‌ترین انگیزه‌ی هستی درآمده آماج آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی است.

امروز، بار دیگر، تحقق بخشیدن به ضرورت‌ها به صورت یک پیکار علنی و بی‌پرده میان خیر و شر، نور و ظلمت، و اهریمن و یزدان در آمده است و، بی‌گمان، سخن از حکومت قانون و حقوق مردم در چارچوب هیچ «مطلق‌گرایی» نمی‌گنجد. نمی‌توان هم به اصل‌های شناخته‌شده‌ی حقوق بشر پای‌بند بود و هم عقیده و اندیشه و وجدان افراد جامعه را به زنجیر کشید و از باورهای دینی توده‌های شرافتمند چماقی برای سرکوب و تحمیل سکوت پرداخت. حقانیت هر نظام سیاسی به تحقق خواست‌های اساسی مردم بستگی دارد و پیش‌شرط لازم برای پیدایی جامعه‌ی مدنی برابری کامل شهروندان و فضای سیاسی باز برخوردار از ایمنی قضائی است.

باید، پیش از آنکه شور و خروش مردم فروافتد، برای رودرویی با موج تهاجم جدید، زمینه‌ی یک اعتراض وسیع از سوی همه‌ی گروه‌های اجتماعی، همه‌ی سازمان‌های سیاسی دگراندیش، و همه‌ی روشنفکران در درون و بیرون از کشور، تدارک گردد. بی‌گمان، نسلی که از کورهِی تفت‌هی انقلاب و نبرد میهنی سربلند به در آمده و در جزر و مد زندگی کمال یافته برای رسیدن به آنچه شایسته‌ی شأن انسانی است، یعنی رهایی از فقر و جهل، باز هم جلودار این نبرد مقدس خواهد بود.

مطلع فردای روشن میهن در پرتو مردم‌سالاری بر همگان، به‌ویژه دانشجویان و دیگر آینده‌سازان ایران، گرامی باد.

اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران (جنبش برای آزادی ایران، حزب زحمتکش‌ان ملت ایران (نیروی سوم)، حزب مردم ایران، حزب ملت ایران)